

مقاله علمی پژوهشی

بررسی تطبیقی امکان محاسبه و مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد در حقوق ایران و انگلیس

محمود رضایی^۱، مسعودرضا رنجبر^{۲*}، مصطفی ماندگار^۳، حکمت‌الله عسکری^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی

۱. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی

۱. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی

۱. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰)

**Possibility to Collect Compensation with Rescission IN Iran and English Law
Mahmoud Rezaie¹, Masoodreza Ranjbar^{2*}, Mostafa Mandegar³, Hakmatollah Askari⁴**

1. Ph.D. Student in Private Law, Islamic Azad University

2. Assistant Professor in Private Law, Islamic Azad University

2. Assistant Professor in Private Law, Islamic Azad University

2. Assistant Professor in Private Law, Islamic Azad University

(Received: 20/Aug/2019

Accepted: 10/Jan/2020)

Abstract

Full compensation for lost is not usually achieved by citing a loss to one of the remedies of breach of contract. Rather, it is sometimes necessary to aggregate between the above remedies. The sum of the compensation with other reactions to the breach of the covenant is very vague given the legislator's silence on its enforce ability and lack of judicial procedure. Regardless of the feasibility of this sum and its enforcement practices, the possibility of this sum is very important, given the general legal principles underlying most laws, and these principles are used to resolve ambiguities. In other words, is it possible that, in the use of lost to one of the remedies arising from breach of contract, such as rescission, and failure to full compensation, we will give right to lost to use other remedies, such as claiming of loss or amending the contract, or partial rescission of the contract, or specific performance and claim of loss between two or more remedies to full compensations for their damages, collect and use simultaneously.

Keywords: Full Compensation, Sum of Remedies, Rescission.

چکیده

جبران کامل خسارات زیان‌دیده، معمولاً با استناد زیان‌دیده به یکی از ضمانت‌های اجرایی ناشی از نقض عهد و اعمال آن محقق نمی‌شود. بلکه گاهی بدین منظور لازم است بین ضمانت‌های اجرایی مزبور جمع نماید. جمع جبران خسارت با سایر واکنش‌های ناشی از نقض عهد به ویژه فسخ با توجه به سکوت قانونگذار در قابلیت اجرایی آن و نبود رویه قضایی، بسیار مبهم است، صرف‌نظر از بررسی امکان عملی این جمع و شیوه‌های اجرایی نمودن آن، امکان قابلیت این جمع با استناد به اصول کلی حقوقی که مبنای وضع اکثر قوانین است و از این اصول در رفع ابهامات استفاده می‌شود بسیار دارای اهمیت است. به عبارتی آیا از اساس این امکان وجود دارد تا در صورت استفاده زیان‌دیده از یکی از ضمانت‌های اجرایی ناشی از نقض عهد مثل فسخ، و عدم جبران کامل خسارت‌های وارده، این حق را به زیان‌دیده داد تا با استفاده از سایر ضمانت‌های اجرایی مثل مطالبه خسارت و یا تعدیل قرارداد، الزام به انجام تعهد و مطالبه خسارت بین دو یا چند ضمانت اجرا برای جبران کامل خسارات وارده به خود، جمع و به‌طور همزمان استفاده نماید. در نوشتار حاضر به بررسی امکان جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد در حقوق ایران و انگلیس خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: اصل جبران کامل خسارت، فسخ قرارداد، مطالبه خسارت.

*Corresponding Author: Masoodreza Ranjbar

E-mail: masoodreza.ranjbar@gmail.com

مقدمه

که قرارداد فسخ شده و خسارات ناشی از قرارداد جایگزین منتسب به او نیست تجدید نظر خواهی می‌نماید و دادگاه تجدید نظر استان فارس به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۸۸۱۶۹۳۰۰۱۲ با استناد به اینکه تجدیدنظر خوانده با اعمال فسخ به قرارداد خاتمه داده است و مطالبه خسارت در این زمینه فاقد مبنای قانونی و قراردادی است حکم محکومیت را در این خصوص نقض و حکم به بطلان دعوی در این خصوص صادر نموده است. حقیقت این است که فسخ قرارداد تنها یکی از واکنش‌های موجود علیه متعهد عهد شکن است. مطالبه خسارت و دریافت ثمن و مخارج مربوطه، وجه التزام، تقاضای تضمین، الزام به انجام تعهد، تعدیل قرارداد و مانند آن نیز از جمله ضمانت‌های قانونی و قراردادی اجرای تعهد هستند که باید در اختیار زیان دیده قرار داده شوند تا با اعمال آنها زیان خود را جبران یا حداقل از تحمل زیان بیشتر بکاهد. از حیث اصولی و قانونی نیز امکان محاسبه و مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد وجود دارد. لازمه این امر شناخت حق فسخ به‌عنوان یک ضمانت اجرا و سپس استفاده از اصل جبران کامل خسارات به‌عنوان مبنایی کلی برای اعمال این قابلیت و در نهایت یافتن مبنای قانونی است تا در صورت طرح دعوی مشابه در محاکم به نحو عادلانه‌تری با موضوع برخورد شود. در ادامه در جهت تبیین بهتر موضوع به بررسی فسخ به‌عنوان ضمانت اجرا و بررسی اصل جبران کامل خسارت و در نهایت امکان مطالبه خسارت در کنار فسخ خواهیم پرداخت؛ و با توجه به تشریح موضوع در حقوق انگلیس به‌صورت تطبیقی موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

حق فسخ به عنوان یک ضمانت اجرا در مقابل نقض عهد در حقوق ایران و انگلیس

حق فسخ از جمله واکنش‌های ناشی از نقض عهد است که در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله حقوق انگلیس در اختیار متعهدله قرار دارد تا در مقابل متعهد عهد شکن مورد استفاده قرار گیرد. در حقوق ایران مواردی که ممکن است یک طرف قرارداد اقدام به فسخ کند خیار نامیده می‌شود. اگرچه خیارهای موجود در قانون مدنی ایران متعدد است؛ اما هیچ یک حاوی یک قاعده عمومی برای فسخ عقد در صورت عدم انجام تعهد نیست (فتحی‌پور، ۱۳۳۲: ۱ و ۷). به‌طور خلاصه خیارهای موجود در قانون مدنی ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. خیارهایی که هدف آنها تعدیل جنبه الزام‌آور بودن قرارداد است که شامل خیار مجلس و خیار حیوان می‌شود. ۲.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین اهداف مسئولیت مدنی، جبران خسارات زیان دیده به‌صورت پرداخت مبلغی پول در برابر زیان‌هایی است که به‌واسطه نقض عهد ایجاد شده است؛ اما ضمانت اجرای ناشی از نقض عهد، متعدد بوده و محدود به پرداخت وجه در برابر خسارات وارده نیست و مواردی چون فسخ قرارداد، الزام به انجام تعهد، دریافت وجه التزام، تعدیل قرارداد و ... را نیز شامل می‌شود و حسب مورد ممکن است یکی از این ضمانت اجراها توسط زیان دیده اعمال گردد. در قوانین و مقررات حقوقی ما هیچ مانعی برای اعمال هم‌زمان دو یا چند ضمانت اجرا وجود نداشته و بر خلاف آنچه در رویه قضایی حاکم شده است، قوانین متعددی در راستای اعمال هم‌زمان دو یا چند ضمانت اجرا وضع شده‌اند از جمله در خصوص اعمال هم‌زمان فسخ و جبران خسارت که به‌طور خاص به آن پرداخته خواهد شد. در خصوص اعمال هم‌زمان فسخ قرارداد و جبران خسارت آنچه مورد نظر است، مطالبه خسارات دادرسی در کنار فسخ قرارداد نیست و اساساً خسارات دادرسی اگر چه محدود به موارد خاصی هستند، به‌سبب دادخواهی ایجاد شده‌اند و به‌صورت مستقیم ناشی از نقض عهد نیستند و آنچه به‌طور خاص مورد نظر است خساراتی است که به‌واسطه نقض عهد ایجاد شده‌اند نه به‌واسطه دادخواهی؛ مانند نقض عهد در خصوص قرارداد تعمیر یک منزل قبل از شروع زمستان که به‌واسطه نقض عهد متعهد، متعهد له، قرارداد را فسخ و با ثمنی بیشتر به دلیل لزوم تعمیر منزل در فصل زمستان، اقدام به انعقاد قرارداد جایگزین نموده است و خسارت در این مثال وجه مازادی است که متعهدله به دلیل نقض عهد پرداخته است. نه خسارت دادرسی. متأسفانه در رویه قضایی در اکثر موارد بدون توجه به اهمیت موضوع، در صورت مطالبه این نوع خسارات با استناد به عدم احراز رابطه سببیت و سکوت قانونگذار و مواردی از این قبیل حکم به بطلان دعوی در خصوص خساراتی که در کنار فسخ قرارداد مطالبه شده‌اند، صادر می‌گردد. به‌طور مثال در پرونده‌ای شخصی به دلیل خودداری خوانده (بنا) از تعمیر سقف ساختمان مجبور به فسخ قرارداد و انعقاد قرارداد جایگزین با دو برابر مبلغ می‌گردد و ضمن دادخواست اعلام فسخ قرارداد از دادگاه خسارت خود را نیز مطالبه می‌نماید، شعبه اول دادگاه حقوقی شهرستان سروستان به‌موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۸۱۶۹۳۰۰۱۴ پس از بررسی موضوع حکم به پرداخت خسارت در کنار اعلام فسخ قرارداد صادر می‌نماید و محکوم‌علیه به رأی فوق با این استناد

«تعادل میان زیان و جبران»، «جبران مناسب» و «کافی بودن جبران» نیز یاد شده است (قسمتی تیریزی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). ابتدا باید معنای خسارت و ضرر بررسی شود. «خسارت» در زبان عربی مصدر بوده و از ریشه لغوی «خسر» به معنای نقص است، خسران نیز به همین معنا است. «خاسر» به کسی گفته می‌شود که در تجارت زیان دیده است. (ابن منظور افریقی، بی‌تا: ۲۳۹). کلمه «خسارت» در فرهنگ فارسی به معنای زیان، ضرر، کم آمدن حاصل از فروش از قیمت خرید، خسارت داشتن، در مقابل نفع و سود، آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۲: ۲۴۹). خسارت مشابهت مفهومی با زیان‌کاری و زیان نیز دارد و در معنای زیان هم گفته شده است: خسارت ضرر مادی یا معنوی و ضد سود و نفع است (معین، ۱۳۵۷: ۵۱۳) در عرف نیز خسارت به دو معنا است: گاهی خسارت به معنای زیان آمده است و گاهی به معنای مالی است که در فرایند جبران زیان دریافت می‌شود. از قضا در اصطلاح حقوق نیز در هر دو مفهوم عرفی مزبور به کار رفته است (مواد ۲۲۱ و ۲۲۶ قانون مدنی). از حیث مقررات قانونی در قوانین مختلف نیز تعریفی از خسارت و ضرر ارائه نگردیده و تنها در مواد مختلف از واژه خسارت و ضرر استفاده شده است؛ مانند اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ماده ۲۲۱ قانون مدنی، ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، مواد ۳۸۰ و ۳۸۷ قانون تجارت و مانند آن که البته حقوق‌دان داخلی را به درک واحدی از تقارن یا تفاوت مفهومی از منظر قوانین داخلی ایران نمی‌رساند. با استناد به مطالب فوق و با چشم‌پوشی از تفاوت کاربردی ضرر و خسارت در برخی موارد، می‌توان گفت: خسارت و ضرر، عبارت است از هرگونه کاهش و نقصان در دارایی شخص؛ اعم از عین یا منفعت یا حق و صدمه به منافع حیثیتی، عاطفی و غیرمالی و بدنی. با روشن شدن مفهوم خسارت، مفهوم جبران خسارت نیز روشن می‌شود. در تعریف جبران خسارت می‌توان گفت عبارت است از: اصلاح و ترمیم صدمات مزبور به هر نحوی که ممکن است. با مورد لحاظ قرار دادن مواردی که از سوی قانونگذار استثنا شده‌اند.

با این حال سؤالی که باقی است این است که آیا تمام خسارت‌ها قابلیت جبران را دارند یا خیر؟ پاسخ این است که در خصوص خسارات قابل جبران، در قوانین و مقررات هیچ‌گونه تعریفی از خسارات قابل جبران و اینکه محدوده خسارات قابل جبران تا چه میزان و شامل چه مصادیقی است، ارائه نگردیده است. اگرچه برای مطالبه خسارات وارده شروطی لازم و ضروری دانسته شده است. مطابق ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی این شروط عبارت‌اند از ۱. بلا واسطه بودن

خیارهایی که ریشه قراردادی دارند که شامل خیار شرط می‌شود. ۳. خیارهایی که از باب جبران خسارت و قاعده لاضرر مقرر شده که مابقی خیارها را شامل می‌شود. از دسته اخیر پاره‌ای در حقیقت واکنشی است در مقابل نواقص و ایراداتی که در نفس انعقاد قرارداد وجود دارد؛ مثل خیار غبن، خیار رؤیت و خیار تبعض صفقه و پاره‌ای دیگر نیز که واکنش در مقابل عدم انجام تعهدات اصلی است، در موارد فوق‌العاده خاص و استثنایی کاربرد دارند مثل خیار تأخیر ثمن و خیار تفلیس؛ بنابراین مصرحات قانون مدنی ایران حق فسخ را به‌عنوان یک ضمانت اجرای عام برای نقض عهد مطرح نکرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۶۵). با وجود این موضوع، با وحدت ملاک از ماده ۲۳۹ قانون مدنی در مورد تخلف از شرط فعل و ماده ۴۷۶ قانون مدنی در خصوص اجاره استنباط کرده‌اند که به‌طورکلی هرگاه متعهد به تعهد خود عمل نکند و اجبار او به انجام تعهد هم میسر نباشد، متعهد می‌تواند قرارداد را فسخ کند و اگر این نظریه مورد قبول رویه قضایی قرار گیرد، می‌توان گفت که در حقوق ایران فسخ یک ضمانت اجرای عام در مقابل عدم انجام تعهد است. در حقوق انگلیس نیز حق فسخ در زمره حقوق عامی است که از نقض عهد برای یک متعهدله ایجاد می‌شود. نقض عهد منجر به فسخ خود به خودی قرارداد نمی‌شود، بلکه متعهدله اختیار دارد که عقد را فسخ کند. یا انجام تعهد را مطالبه کند. شرط اساسی برای اینکه متعهد له حق فسخ پیدا کند، این است که نقض در انجام تعهد که ممکن است مربوط به کمیت، کیفیت و زمان تعهد باشد، باید از یک حداقل درجه مشخصی از جدیت برخوردار باشد تا زیان‌دیده بتواند عقد را فسخ کند و به عبارت دیگر نقض عهد باید اساسی باشد. تا امکان فسخ برای متعهدله فراهم باشد (G.H.Treitle.: 758). برای اینکه فسخ قرارداد امکان اعمال هم‌زمان در کنار مطالبه خسارت را داشته باشد مستلزم استناد به مبنایی است تا با استفاده از آن اعمال هم‌زمان آنها قابل توجیه باشد. این مبنا با توجه به بررسی‌های صورت گرفته اصل جبران کامل خسارات است.

مفهوم اصل جبران کامل خسارت و ارتباط آن با محاسبه و مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد در حقوق ایران و انگلیس

مفهوم اصل جبران کامل خسارت

برای رهیافت به مفهوم اصل جبران کامل خسارت (Full Compensation) که از آن گاهی با تعابیر دیگری چون

قبل از انعقاد قرارداد، قرار داشته است یا این که زیان دیده در وضعیتی قرار گیرد که در صورت عمل به تعهدات قراردادی، در آن وضعیت قرار می‌گرفته است؟

اگر فعل زیان‌بار، انعقاد قرارداد باشد، می‌توان انتظار داشت که جبران خسارت به معنی بازگرداندن وضعیت زیان دیده به حالت قبل از انعقاد قرارداد باشد. گاه چنین است و فعل زیان‌بار، نفس انعقاد قرارداد است؛ مثل موردی که قرارداد منعقد شده، باطل باشد. حال اگر بتوان مسئولیت بطلان را بر عهده یکی از طرفین گذاشت؛ مثل زمانی که در عقد بیع، فروشنده آگاهانه و بدون اطلاع خریدار، عین معین متعلق به غیر را فروخته باشد، مقصر باید خسارات طرف دیگر را جبران کند. در این حالت، منظور از جبران کامل خسارت، قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی است که قبل از وقوع فعل زیان‌بار (قبل از انعقاد قرارداد) قرار داشته است؛ اما اگر قرارداد به‌طور صحیح منعقد شده باشد و نفس انعقاد قرارداد، فعل زیان‌بار نباشد بلکه فعل زیان‌بار، نقض تعهد قراردادی باشد، هدف از جبران خسارت، بر طرف کردن «آثار فعل زیان‌بار» یعنی نقض عهد است. در این حالت، برای اینکه خسارت به شکل کامل جبران شود، باید زیان‌دیده در وضعیتی قرار گیرد که گویا به قرارداد و تعهد قراردادی عمل شده است.

نتیجه اینکه، برای افراد در یک قرارداد، حقوق و مزایای مالی و غیرمالی ایجاد می‌گردد. حقوق مالی ایجاد شده جزئی از دارایی طرف قرارداد است و همانند هر مال دیگری ممکن است خود، منشأ درآمد جدید گردد. نقض عهد در این حالت، فعل زیان‌باری است که به این موقعیت مشروع و قانونی، لطمه وارد می‌کند. برای اینکه خسارت به شکل کامل جبران شود، باید وضعیت زیان‌دیده به شرایطی بازگردد که قبل از نقض عهد از آن برخوردار بوده است؛ یعنی، به وضعیتی که قرارداد قوت خود را حفظ کرده و متصور است که تمام حقوق و مزایای ناشی از آن در پرتو عمل به تعهدات حاصل شود. در چنین صورتی، بازگرداندن وضع زیان‌دیده به شرایط قبل از انعقاد قرارداد، جبران کامل خسارات او نخواهد بود؛ زیرا در این حالت مزایایی که به شکل مشروع از قراردادی برای او حاصل شده است، نادیده گرفته می‌شود (رنجبر، ۱۳۹۱: ۲۲). با این حال این امر کلیت نداشته و در برخی موارد خاص جبران کامل خسارت به‌گونه‌ای دیگر ظهور و بروز می‌یابد.

فرض کنید، فردی چند گرم طلا به قیمت هر گرم صد هزار تومان خریده و مشخص شده است که در زمان خرید قیمت واقعی طلا نود هزار تومان بوده است. در عین حال

خسارت وارده ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم خواسته ۲. رابطه سببیت ۳. مسلم بودن خسارت؛ ولی در مورد اینکه خسارات با وجود این شرایط تا کجا و به چه میزان قابل جبران هستند، ذکری به میان نیامده است و تنها در خصوص برخی خسارات، قانونگذار شروطی مقرر نموده است؛ به‌عنوان مثال برای مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از نوع وجه رایج که در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی به آن اشاره شده است. با وجود شرایط، خسارت محدود به تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود (نرخ تورم) می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت کلیه خساراتی که با وجود شرایط لازم برای مطالبه خسارات به زیان‌دیده وارد می‌شود و قانون‌گذار منع یا محدودیتی صریح در قوانین و مقررات برای مطالبه آن ایجاد ننموده است؛ اعم از اینکه خسارت مادی یا معنوی باشد، در حقوق ایران جزء خسارات قابل جبران هستند. مبتنی بر گفته‌های فوق می‌توان تعریفی از اصل جبران کامل خسارات ارائه داد و عنوان نمود منظور از اصل جبران کامل خسارت این است که خسارت باید تمام زیان را در برگیرد (بدون توجه به اینکه خسارت، سبب فقیر شدن زیان‌دیده گردد) و آنچه به‌عنوان خسارت، تخصیص می‌یابد، تنها معادل زیان وارده است (بدون این که موجب دارا شدن زیان‌دیده از فعل زیان‌بار و غرامت گردد). (قسمتی تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۳۶) به عبارت دیگر مطابق اصل جبران کامل خسارت، باید خسارت پرداخت شده به فرد زیان‌دیده دقیقاً برابر با زیانی باشد که به وی وارد شده است در این راستا نه سودی عاید زیان‌دیده شود و نه ضرری بر زیان‌زنده تحمیل گردد و این مفهوم دقیقاً مطابق با شناسایی قابلیت امکان مطالبه خسارت در کنار فسخ برای زیان‌دیده است تا خسارات به‌طور کامل جبران گردد. فرایند جبران دقیق و کامل خسارات و محدوده تعیین میزان آن علاوه بر آشنایی با مفهوم اصل جبران کامل خسارت، مستلزم شناخت هدف اصل جبران کامل خسارت نیز می‌باشد.

هدف اصل جبران کامل خسارت

برای درک بهتر امکان و جمع مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد لازم است هدف اصل جبران کامل خسارت مورد بررسی قرار گیرد. در این خصوص دو هدف قابل ذکر است. الف: قرار دادن زیان دیده در وضعیتی تعهد انجام شده. ب: قرار دادن زیان دیده در وضعیتی قبل از انجام تعهد. سؤالی که در این زمینه قابل طرح است، این است که: آیا هدف از اصل جبران کامل خسارت، این است که زیان‌دیده در وضعیتی قرار گیرد که

baxendale) که بر اساس این رأی همه خسارات قابل جبران نیستند بلکه تنها خساراتی قابل مطالبه هستند که در زمان انعقاد قرارداد پیش‌بینی شده باشند (Routledge, 153-154, 2013). همچنین در برخی دیگر از آرا صادر شده؛ مانند پرونده «هایز در مقابل داد» (Hayes v. Dodd, 1990) صراحتاً هدف از جبران خسارت، قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت تعهد انجام شده عنوان گردیده است و یکی از لوازم قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت تعهد انجام شده، جبران کامل خسارات زیان‌دیده است (Routledge, 156, 2013) در برخی آرا مانند قضیه «دوئل علیه شرکت البای» (Doyle v. Olby Ltd, 1969) نیز صراحتاً به جبران کامل خسارات زیان‌دیده اشاره شده است، بدون اینکه مفهوم دقیقی از جبران کامل خسارت و محدوده اعمال آن ارائه شود.

(<https://swarb.co.uk/doyle-v-olby-ironmongers-ltd-ca-31-jan-1969/> retrieved on: 20/02/2019)

بنابراین اظهار نظر در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش اصل جبران کامل خسارت به‌سادگی امکان‌پذیر نیست؛ اما در طول زمان، حقوق‌کامن‌لا به این سمت سوق پیدا کرده که نقض عهد اختیاری را به‌عنوان یک حق برای متعهد شناسایی کند؛ در کامن‌لا نظریه «نقض عهد کارا» ارائه شده است که بر طبق آن، متعهد می‌تواند به تعهد خود عمل نکند، مشروط به اینکه هر خسارتی را که به متعهدله وارد شده، جبران کند؛ با این توجیه که هرگاه متعهد احساس کند که با تخصیص دادن منابع مورد نیاز برای انجام تعهد به یک قرارداد دیگر می‌تواند نفع بیشتری را تحصیل کند، مجاز است که نقض عهد کرده و منابع خود را صرف قرارداد پر سودتر کند. به این شکل هم منفعت عاید متعهد می‌شود و هم در کل با تولید ثروت بیشتر جامعه نیز منتفع می‌شود. حق متعهدله قرارداد اول هم که نقض گردیده به این شکل تضمین می‌شود که متعهد موظف است کلیه خسارات متعهدله قرارداد اول را جبران کند. پیش فرض این نظریه اصل جبران کامل خسارت است و به این دلیل برخی از حقوقدان‌های کامن‌لا، اصل جبران کامل خسارت را به رسمیت شناخته‌اند (رنجبر، ۱۳۹۱: ۹).

صرف‌نظر از اختلافاتی که در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش اصل جبران کامل خسارت در حقوق انگلیس وجود دارد، آنچه در آرای صادره مشهود است و بیشتر مورد استناد واقع می‌شود، قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت انجام تعهد است

قیمت واقعی طلا نیز با توجه به تورم حاکم بر جامعه و افزایش قیمت مداوم به‌مرور زمان به سیصد هزار تومان رسیده است. در این صورت، اگر برای جبران خسارت وارده به وی معامله باطل شود و پول وی عودت داده شود، نه تنها ضرر وی جبران نشده است بلکه به دلیل افزایش قیمت طلا زیان وارد شده به وی بیش از سه برابر خواهد شد. همین‌طور اگر وضعیت را به حالت پس از اجرای تعهد، باقی گذاشت، زیان فرد مزبور در مابه‌التفاوت نود تا صد هزار تومانی، جبران نشده باقی خواهد ماند. در چنین حالتی باید گفت هدف از اصل جبران کامل خسارات، نه برگرداندن وضعیت به حالت قبل از انعقاد قرارداد است و نه هدف آن حفظ شرایط وی پس از اجرای تعهد است، بلکه هدف برگرداندن تمام زیان‌ها و حفظ منافع حاصل از معامله مزبور به‌صورت توأم است؛ یعنی هم قرارداد به قوت خود باقی باشد هم امکان مطالبه خسارت برای زیان‌دیده از قرارداد منعقد شده.

بنابراین با توجه به مطالب عنوان شده در خصوص مفهوم کلی جبران کامل خسارت در نقض عهد باید عنوان نمود «هدف از جبران کامل خسارت متغیری است که به شرایط فرد زیان‌دیده بستگی دارد؛ گاهی هدف آن عبارت است از قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت قبل از انعقاد قرارداد و گاهی هدف آن عبارت است از قرار دادن وی در وضعیتی که اگر قرارداد بدون نقض عهد اجرا می‌شد، زیان‌دیده در آن وضعیت قرار می‌گرفت و گاهی فراتر از این دو وضعیت است به این معنی که در عین حفظ منافع و مزایای قرارداد، زیان‌های وارد شده به وی جبران شود به نحوی که او در وضعیتی بهتر یا وضعیتی بدتر از زمانی که تعهد اجرا می‌گردید، قرار نگیرد». در امکان مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد نیز باید به جهت رسیدن به جبران کامل خسارت حسب مورد یکی از موارد را انتخاب نمود که قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت تعهد انجام شده مهم‌ترین مبنا است.

اصل جبران کامل خسارت در حقوق انگلیس

با بررسی آرای صادر شده در نظام حقوقی انگلیس، در مورد پذیرش یا عدم پذیرش اصل جبران کامل خسارت در حقوق این کشور، اظهار نظر قطعی میسر نیست. از یک سو در حقوق کشور انگلیس که بر پایه کامن‌لا استوار است، آرای صادر گردیده است که در آن محدودیت‌هایی برای قابلیت جبران خسارات، پیش‌بینی شده است و هر نوع خسارتی را قابل مطالبه نمی‌دانند؛ مانند قضیه «هدلی علیه بکسندل» (hadley v.

گیرد و نفعی بیش از خساراتی که به او وارد گردیده، عاید او نگردد؛ بنابراین، مطابق استدلال مندرج در رأی «هدلی علیه بکسندل» تمام خسارات طبیعی قابل جبران هستند و قابلیت پیش‌بینی برای مطالبه خسارت در راستای جلوگیری از مطالبه خسارت مضاعف است نه در راستای مطالبه خسارات طبیعی وارده به زیان دیده. با بررسی آرای که در آن نسبت به عدم پذیرش برخی خسارات رأی صادر گردیده است از جمله پرونده «هایز در مقابل داد» می‌توان به نتایج فوق دست یافت.

بنابراین از حیث استناد به اصول کلی در اعمال جمع ضمانت اجراها حقوق انگلیس با مانعی روبه رو نیست. در نظام حقوقی انگلیس، اصل اساسی و اولیه در این خصوص این است که هر خسارتی از جمله خسارات ناشی از نقض قرارداد باید جبران شود. (*Damages as Full Compensation*) و زیان دیده از نقض قرارداد، حتی‌الامکان باید در شرایط اجرای کامل و صحیح قرارداد واقع شود (Treitel, 1989: 75)؛ به عبارت دیگر، خسارت وارده باید به‌طور کامل جبران شود.

اصل جبران کامل خسارت در حقوق ایران

در حقوق ایران در قوانین و مقررات از اصل جبران کامل خسارت نام برده نشده است؛ اما با بررسی منابعی که قوانین و مقررات بر مبنای منابع وضع شده‌اند از حیث برداشت مفهومی به وجود این اصل می‌توان پی برد؛ مثلاً در فقه مطابق قاعده لاضرر اگر چه برداشت‌های متعددی از مفهوم این قاعده وجود دارد؛ اما می‌توان گفت ضرر به کار برده شده در این قاعده شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد شده به دیگری است؛ ولی ضرر مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی به آن سوء استفاده از حق تعبیر می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در قانون مدنی، هم در بحث مسئولیت قراردادی و هم در بحث ضمان قهری مصادیقی وجود دارد که بر اساس آن، اصل جبران کامل خسارت قابل استنتاج است. قانون مدنی در بحث خسارات ناشی از عدم انجام صحیح تعهدات قراردادی، لفظ کلی خسارات و قابلیت جبران آنها را به کار برده است، بدون آنکه به‌روشنی دایره خسارات قابل جبران را در این مورد مشخص کند. در ماده ۲۲۱ قانون مدنی عنوان شده است: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارات طرف مقابل است، مشروط به اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به‌منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان

و تلاش می‌شود تا خسارات وارده به زیان‌دیده به نحوی جبران و مورد حکم قرار گیرد تا زیان‌دیده در وضعیت معامله موفق قرار گیرد و در این راستا با توجه به قواعد حاکم بر قضیه «هدلی علیه بکسندل» که در آن یکی از ارکان لازم برای مطالبه خسارت، قابلیت پیش‌بینی خسارت در زمان انعقاد قرارداد اعلام شده است، دسته‌بندی‌های مختلفی از خسارات مورد شناسایی قرار گرفته است و حسب مورد حکم به پرداخت خسارات فوق صادر می‌گردد. در این دسته‌بندی‌ها خسارات در دو دسته جای گرفته‌اند: دسته اول، خسارات اصلی که به‌طور طبیعی از نقض عهد ایجاد می‌شوند. از جمله مهم‌ترین این خسارات عبارت‌اند از: ۱. هزینه‌های صورت گرفته برای قرارداد، ۲. از دست دادن سود حاصل از قرارداد نقض شده، ۳. از دست دادن ارزش منافی که به دلیل نقض عهد از خود موضوع تعهد نصیب زیان دیده نگردیده است، ۴. هزینه‌هایی که برای جایگزینی تعهد نقض شده صورت گرفته است، ۵. از دست دادن فرصت انعقاد قرارداد متعاقب برای یک تاجر و ۶. وجهی که بابت موضوع تعهد پرداخت شده است.

دسته دوم، خساراتی هستند که غیرمستقیم و با واسطه به وجود آمده‌اند که به آنها خسارات تبعی و فرعی اطلاق می‌گردد؛ مانند تعطیلی کارخانه به دلیل عدم تعمیر یک قطعه معیوب و عدم کسب سود به دلیل عدم تولید در کارخانه. در دسته اول با توجه به اینکه خسارات طبیعی هستند به نظر می‌رسد می‌توان استدلال نمود بر اساس اصل نیازی به قابلیت پیش‌بینی خسارت نیست؛ اما در دسته دوم با توجه به غیرطبیعی بودن خسارت و برخلاف اصل بودن آن قابلیت پیش‌بینی لازم و ضروری است؛ اما نکته‌ای که باید مورد لحاظ قرار گیرد این است که تعیین خسارات اصلی موردی است و حسب هر معامله ممکن است خسارتی جزء خسارات طبیعی و خساراتی دیگر مشمول خسارات غیرطبیعی قلمداد شوند (Routledge, 2013: 153-154). آنچه واجد اهمیت است این است که اصل جبران کامل خسارات در حقوق انگلستان دارای هدفی است و هدف آن قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت تعهد انجام شده است از طرفی در اصل جبران کامل خسارت دارای دو جنبه منفی و مثبت است و کارایی این دو جنبه از اصل به این شکل است که تمام خسارات زیان دیده از یک سو جبران شود و از سویی دیگر زیان‌دیده نفعی بیش از زیان وارده عاید او نگردد و آنچه در قضیه «هدلی علیه بکسندل» مورد استناد قرار گرفته است، دقیقاً مطابق با اصل جبران کامل خسارت است، به این شکل که زیان‌دیده در وضعیت تعهد انجام شده قرار

ناشی از نقض عهد نیز دقیقاً به همین صورت رفتار می‌شود. گاهی خسارت ناشی از نقض عهد به این صورت تدارک می‌یابد که وضعیت متعهدله به حالت سابق یعنی قبل از نقض عهد برگردد. برخی ضمانت اجراها اصولاً هدفشان قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی است که خسارات او جبران شده و از وارد شدن خسارات بیشتر به زیان‌دیده کاسته شود؛ مانند فسخ قرارداد و برخی ضمانت اجراها نیز در راستای جبران خساراتی وضع شده‌اند که یا وارد شده‌اند و یا وارد خواهند شد؛ مانند جبران خسارات از طریق پرداخت وجه و وجه التزام؛ بنابراین، هدف نهایی هر یک از ضمانت اجراهای ناشی از نقض عهد جبران خسارت است و زمانی جبران خسارت اثر واقعی و حقوقی خود را نشان خواهد داد که زیان‌دیده به‌صورت واقعی و کامل خسارتش جبران شود.

این امر گاهی با بطلان قرارداد و برگرداندن وضع به حالت سابق و گاهی با الزام به اجرای عهد و گاهی علاوه بر جبران خسارت‌های وارد، با بهره‌مندی وی از تمام مزایا و منافع اجرای تعهد تضمین می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت اصل جبران کامل خسارت و اعمال ضمانت اجراهای ناشی از نقض عهد در یک راستا و همسو باهم در جهت رسیدن به هر یک از اهداف سه‌گانه فوق وضع و مقرر شده‌اند و اگر اعمال یکی از ضمانت اجراها زیان‌دیده را در وضعیت متناسب مزبور قرار ندهد، زیان‌دیده از این حق برخوردار است تا با استفاده از اصل کلی جبران کامل خسارت و با اعمال دیگر ضمانت اجراهای ناشی از نقض عهد، خسارت خود را که از طریق اعمال یکی از ضمانت اجراهای ناشی از نقض عهد غیرقابل مطالبه باقی مانده است و مطالبه آن مورد نهی قانونگذار برای مطالبه قرار نگرفته است، مطالبه نماید (رنجبر، ۱۳۹۱: ۴۶).

امکان عملی جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد

در مواردی که حق فسخ قرارداد یک ضمانت اجرا در مقابل نقض عهد است، فسخ به این معنا نیست که متعهدله از ارزش و موقعیتی که قرارداد برای او ایجاد کرده است، صرف‌نظر نموده است؛ بلکه صرفاً به این معنا است که چون متعهد به تعهد خود عمل نکرده است، متعهدله نیز واکنش نشان داده و التزام به تعهدات قراردادی را به پایان برده است. نتیجه اینکه، متعهد له در عین حال که می‌تواند عقد را فسخ کند، می‌تواند خسارات خود را اعم از خسارات اصلی، تبعی و فرعی مطالبه نماید.

علت این اظهار نظر این است که ضمانت اجرا باید تا حد

باشد. آنچه در این ماده مشهود است این است که خسارت، مفهومی بسیار وسیع داشته و می‌تواند شامل فوت منافع مشروعی نیز بشود که در اثر نقض عهد از بین رفته است. همچنین این خسارات کلیه هزینه‌ها و خسارات مالی را نیز در برمی‌گیرد. در بحث ضمان قهری از جمله مباحث مربوط به غصب و اتلاف و تسبیب می‌توان نشانه‌هایی از اصل جبران کامل خسارت را یافت. در نهاد غصب، جلوه‌هایی مشابه اصل جبران کامل خسارت مشاهده می‌گردد؛ نه تنها درجه تقصیر، بلکه عدم تقصیر و حتی حسن نیت غاصب نیز تأثیری در مسئولیت و میزان آن ندارد. به رسمیت شناختن چنین وضعیتی حاکی از پذیرش اصل جبران کامل خسارت است. از سویی دیگر غاصب، گذشته از ضمان عین و منفعت، نسبت به تفویض منفعت (تلف منافع غیر مستوفات) هم مسئولیت دارد (مواد ۲۶۱ و ۳۲۰ قانون مدنی) و این توجه به حقوق مالک، یادآور اصل جبران کامل خسارت است. در مواد ۱ و ۸ و ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی نیز در بحث جبران خسارات طیف گسترده‌ای از خسارات قابل جبران شناخته شده است که با توجه به گستردگی دامنه آن اصل جبران کامل خسارات از آن قابل برداشت است. مواد مختلف قانونی دیگری نیز وجود دارد که اصل جبران کامل خسارات از آن قابل برداشت است؛ بنابراین در حقوق ایران با توجه به وجود قواعد فقهی چون لاضرر و تسبیب و همچنین مواد متعدد قانونی که دایره وسیعی از خسارات را قابل مطالبه معرفی نموده‌اند و نبود مانع قانونی جز در موارد خاص مثل مطالبه خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد و یا عدم‌النفع می‌توان اصل جبران کامل خسارات را به‌عنوان یک اصل شناخته شده و مورد استفاده در حقوق ایران معرفی نمود.

ارتباط اصل جبران کامل خسارت با امکان محاسبه و مطالبه جبران خسارت در کنار فسخ قرارداد

در بخش هدف اصل جبران کامل خسارت گفته شد که این هدف متناسب با هر مورد می‌توان متفاوت باشد، گاهی هدف برگرداندن شرایط زیان‌دیده به وضعیت قبل از قرارداد است و گاهی هدف، قرار دادن زیان‌دیده در موقعیتی و یا وضعیتی است که در صورت انجام تعهد، زیان‌دیده در آن وضعیت قرار می‌گرفت و گاهی فراتر از این دو بوده و ضمن تدارک زیان‌های وارد شده به وی، زیان‌دیده باید از تمام مزایا و منافی که می‌توانسته بهره‌بردار گردد.

در عین حال نباید نفعی بیش از آنچه در موقعیت مشابه عاید او می‌گردید، نصیب او گردد. در اعمال ضمانت اجراهای

صریح و ضمنی مورد پذیرش قرار داده‌اند و در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس از حیث قانون‌گذاری

الف) جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس به‌طور کلی دو دسته واکنش در مقابل نقض عهد وجود دارد. دسته اول واکنش‌هایی است از قبیل جبران خسارت یا الزام به انجام عین تعهد که هدفشان قرار دادن متعهدله در وضعیت انجام تعهد است. دسته دیگر واکنش‌هایی است مثل فسخ قرارداد که هدف از آنها بازگرداندن متعهد در وضعیت قبل از انعقاد قرارداد است. این واکنش هم در نقض عهد کاربرد دارد و هم در مواردی که به دلیل وجود یک مانع و عذر قانونی، مثل وجود عمل قهری، به تعهد عمل نمی‌شود. در حالتی که برای عدم انجام تعهد عذر قانونی وجود دارد، تنها می‌توان به فسخ قرارداد اقدام کرد و در کنار آن امکان مطالبه خسارت وجود ندارد؛ اما اگر توسل به فسخ در حالت نقض عهد باشد و معاذیر قانونی در آن نقش نداشته باشد، زیان‌دیده می‌تواند همراه با فسخ قرارداد، خسارت خود را نیز مطالبه کند. در این خصوص بند ۳ ماده ۴۸ قانون بیع کالای انگلیس که در خصوص حق فسخ فروشنده است، بیان می‌دارد: وقتی کالا فاسد شدنی است یا فروشنده‌ای که با عدم پرداخت ثمن توسط خریدار مواجه شده است اختطاری به خریدار می‌دهد که قصد دارد کالاها را بفروشد و خریدار در یک مدت معقول ثمن را پرداخت نمی‌کند، فروشنده ممکن است کالا را فروخته و از خریدار اول خسارت ناشی از نقض عهد را مطالبه کند. همچنین بند ۴ این ماده مقرر می‌دارد: وقتی فروشنده به‌صراحت حق فروش کالا را در صورت کوتاهی خریدار برای خود محفوظ می‌دارد و به دلیل قصور خریدار کالا را به فروش می‌رساند، قرارداد فروش اول فسخ شده ولی به حق مطالبه خسارت فروشنده لطمه‌ای وارد نمی‌شود. به عبارتی در نظام حقوقی انگلیس فسخ قرارداد به معنای قطع رابطه قراردادی متعهد و متعهدله نیست؛ بلکه با فسخ قرارداد علاوه بر اینکه متعهد باید ارزش مورد تعهد را به متعهدله عودت نماید، ملزم به جبران تمام خساراتی است که در فرایند نقض عهد بر متعهدله وارد شده است. جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد در برخی مقررات حقوقی دیگر این کشور نیز مورد تصریح واقع شده است. به‌عنوان مثال می‌توان

امکان کارا و مؤثر باشد. حق فسخ زمانی می‌تواند نقش خود را به‌عنوان یک ضمانت اجرا ایفاء کند که همان هدفی را تعقیب کند که در دیگر ضمانت اجراها و از جمله جبران خسارت مد نظر است؛ یعنی باید هدف این باشد که متعهدله در موضعی قرار گیرد که اگر به تعهد عمل می‌شد از آن موضع برخوردار بود. این هدف زمانی می‌تواند تعقیب شود که فسخ قرارداد به معنی صرف‌نظر کردن از امتیازات قراردادی نباشد و متعهدله بتواند در کنار فسخ قرارداد خسارات ناشی از نقض عهد را نیز مطالبه کند. بر این اساس فسخ قرارداد وسیله‌ای است که تنها بخشی از خسارات ناشی از نقض عهد را می‌کاهد و مابقی خسارات ناشی از نقض عهد به همان روش معمول که یکی از آنها مطالبه خسارت است قابل مطالبه است.

از سویی ماهیت ضمانت اجرا نیز در بررسی امکان قابلیت جمع دو یا چند ضمانت اجرا نقشی اساسی دارد. در خصوص فسخ قرارداد، اساساً اعمال فسخ یک اقدام پیشگیرانه به‌منظور کاهش خسارات و به عبارتی جلوگیری از تحمل خسارت بیشتر است به این نحو که پس از نقض قرارداد توسط ناقض، زیان دیده به این دلیل قرارداد را فسخ می‌نماید که حسب مورد یا از اجرای تعهدات اجرا نشده خود با خاتمه دادن به قرارداد، خودداری نماید و یا اینکه با اعلام فسخ قرارداد از به وجود آمدن خسارات بیشتر با توجه به اینکه هنوز اجرای تعهدات باقی است و آثار حقوقی این تعهدات از بین نرفته است جلوگیری نماید و بدیهی است اگر در این راستا خساراتی به زیان‌دیده (شخصی که به دلیل نقض عهد دیگری قرارداد را فسخ نموده است) وارد شده باشد، این امکان برای او فراهم است تا در کنار فسخ قرارداد، نسبت به مطالبه خسارات خود اقدام نماید. همچنین همان‌طور که از حیث مبنایی مطرح شد اصل جبران کامل خسارت به‌عنوان یک اصل مبنایی پذیرفته شده هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلیس با توجه به اینکه هدف اصلی از آن در نقض عهد قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت تعهد انجام شده است.

اصولاً وقتی این هدف محقق می‌شود که تمام خسارات وارده به زیان‌دیده با توجه به هدف فوق جبران گردد و مبرهن است در صورت نقض عهد به‌صرف فسخ قرارداد از سوی زیان‌دیده نیل به این هدف در صورتی امکان پذیر است که این قابلیت برای زیان‌دیده فراهم باشد تا در صورت فسخ قرارداد امکان مطالبه خسارات خود را نیز داشته باشد. برای روشن شدن موضوع هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلیس، موارد قانونی متعددی وجود دارد که این قابلیت را به‌صورت

کرده است». اعلام فسخ قرارداد اعم از اعلام فعلی یا قولی است؛ زیرا در بند ۶ ماده مزبور آمده است «این اعلام می‌تواند هر نوع قول یا فعلی باشد که برای آگاهی فروشنده از تصمیم مشتری کفایت نماید». بند ۷ ماده ۲۰ نیز مقرر می‌دارد از زمان تحقق یافتن حق نهایی رد کالا فروشنده موظف به پس دادن ثمن به مشتری و مشتری نیز موظف است، متناسب با قرارداد یا کالاها را در دسترس فروشنده قرار داده یا به وی برگرداند. تا اینجا سخن از مطالبه خسارت ناشی از نقض عهد به میان نیاورده و صرفاً رد و بدل شدن ارزش مورد تعهد مورد اشاره واقع شده است؛ اما در بند ۸ ماده مزبور هزینه‌های حمل و نقل کالا به فروشنده را بر عهده فروشنده نهاده است. معنای روشن بند ۸ این است که اگر فروشنده در صورت معیوب بودن کالا نسبت به فسخ قرارداد اقدام نموده و کالاهای معیوب را برگرداند، علاوه بر فسخ قرارداد و متعاقباً پس گرفتن ثمن حق مطالبه خسارات فرعی و تبعی از جمله هزینه‌های حمل و نقل کالاها را خواهد داشت. با این حال ماده ۱۹ به این مقدار بسنده نکرده و از بند ۹ تا ۱۱ همین ماده به روشنی تصریح می‌کند که توسل به هر یک از واکنش‌های ناشی از عدم مطابقت کالا با مفاد قرارداد (از جمله فسخ قرارداد و رد کالا و بازپس‌گیری ثمن) مانعی بر سر راه مطالبه خسارت‌های ناشی از نقض تعهدات و سایر ملزومات قراردادی، هزینه‌های دادرسی، اقدامات اجرایی، هزینه‌های حمل و نقل، پست و مانند آن نخواهد بود. جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد علاوه بر مقررات فوق مورد توجه نویسندگان حقوقی نیز واقع شده است. از نظر آنان جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد در مواردی مجاز است که مانعی برای این جمع وجود نداشته باشد. این موضوع مورد تأیید برخی نویسندگان حقوقی واقع شده و تصریح نموده‌اند که قاعده جمع شیوه‌های جبران خسارت، منصرف به جایی است که این شیوه‌ها سازگار و قابل جمع باشند. (Lando, 2000: 362) امکان جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد نزد برخی از حقوق‌دانان از چنان بداهتی برخوردار است که برخی از استادان حقوق فسخ قرارداد را لازمه مطالبه خسارت دانسته‌اند بدین معنا که فسخ قرارداد در جایی که به‌درستی اعمال می‌گردد، نه تنها نقش مهمی را به‌عنوان یک شیوه جبران خسارت ایفا می‌نماید، بلکه آثار بسیاری را بر قرارداد مترتب می‌سازد. فسخ قرارداد، پیش شرط استحقاق متعهدله نسبت به محاسبه خسارات، یعنی تأخیر در انجام تعهد و همچنین بدل انجام تعهد است. (UNCITRAL, 2012: 236)

به ماده ۲۵ قانون ۲۰۱۵ حمایت از مصرف‌کننده انگلیس اشاره کرد. ابتدا بند ۱ تا ۳ این ماده مواردی را احصا نموده است که مطابق آن اگر فروشنده تعهد قراردادی خود در کمیت کالا را نقض نموده و بیشتر یا کمتر از آن برای مشتری ارسال کرده باشد، مشتری حق دارد کل کالاها را رد یا قبول نماید یا نسبت به کمیت مورد توافق، کالا را پذیرفته و مازاد را رد نماید. سپس در بند ۷ مقرر می‌دارد اعمال بندهای ۱ تا ۳ این ماده مانعی بر سر راه مطالبه خسارت توسط مشتری در جایی که برای وی چنین حقی وجود داشته باشد، نیست. حق رد کل کالاها توسط مشتری به معنی فسخ قرارداد با توجه به نقض آن از سوی فروشنده است؛ اما این حق به معنای از بین رفتن حق وی در باره امکان مطالبه سایر خسارت‌های ناشی از نقض عهد نیست. بند ۷ ماده مزبور به‌صراحت فسخ قرارداد را مانعی برای مطالبه سایر خسارات نمی‌داند. ماده ۲۵ قانون حمایت از مصرف‌کننده نیز در مورد نقض تعهد نسبت به کمیت کالا است؛ ولی همین وضعیت یعنی امکان جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد در صورت نقض تعهد نسبت به کیفیت کالا نیز شناخته شده و در ماده ۲۱ قانون مزبور مورد اشاره واقع شده است. مطابق بند ۸ از ماده ۲۱ در صورتی که کالاهای تحویل شده از نظر کیفیت مطابق مفاد قرارداد نباشد و مشتری بخواهد کالاها را پس دهد، فروشنده باید تمام خسارات و هزینه‌های پس دادن کالاها را بر عهده بگیرد. پیش از این گفته شد که این نوع هزینه‌ها در حقوق انگلیس به‌عنوان هزینه‌های تبعی یا فرعی تلقی شده و مطابق با ماده ۲۱ در صورت فسخ قرارداد در اثر عدم تطبیق کیفی کالا با مفاد قرارداد ضمن آنکه مشتری حق فسخ قرارداد را خواهد داشت حق مطالبه خسارت‌های فرعی و تبعی را نیز داشته که هزینه‌های پس دادن کالا یکی از مصادیق آن است. یکی دیگر از مواردی که مشتری حق فسخ قرارداد را دارد وقتی است که کالای تسلیم شده به مشتری باید مطابق مفاد قرارداد باشد، در غیر این صورت مشتری حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. مطابق قسمت ج بند ۳ ماده ۱۹ قانون حمایت از مصرف‌کننده، در صورتی که کالایی تسلیم شده به مشتری مطابق مفاد قرارداد نباشد، برای مشتری چند حق برشمرده شده است که یکی از آنها «حق نهایی رد کالا» است (The final right to reject). در توضیح «حق نهایی رد کالا» بند ۵ ماده ۲۰ مقرر می‌دارد «حق نهایی رد کالا هنگامی صورت می‌یابد که مشتری به فروشنده اعلام کند کالاهای مزبور را رد نموده و قرارداد را خاتمه یافته تلقی

ب) جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد در حقوق ایران

موارد فسخ قرارداد در حقوق ایران متأثر از فقه، مرتبط با انواع اختیارات می‌باشد که شیوه‌های جمع برخی از اختیارات با مطالبه خسارت به‌طور جداگانه باید مورد بررسی قرار گیرد. در بحث حاضر با توجه به محدودیت‌های نگارش متن به مواردی اشاره می‌شود که مطابق قوانین و مقررات حقوقی ایران، جمع جبران خسارت و فسخ قرارداد پذیرفته شده است. به دوا با استناد به مجموع مواد ۳۸۴، ۳۸۵ و ۳۸۶ قانون مدنی می‌توان گفت حقوق ایران به جمع مطالبه خسارت و فسخ نظر مثبت دارد؛ زیرا مطابق ماده ۳۸۴ قانون مدنی عنوان می‌گردد: «هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیه حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع است» و ماده ۳۸۵ مقرر می‌دارد: «اگر مبیع از قبیل خانه یا فرش باشد که تجزیه آن بدون ضرر ممکن نمی‌شود و به شرط بودن مقدار معین فروخته شده ولی در حین تسلیم کمتر یا بیشتر در آید در صورت اولی مشتری و در صورت دوم بایع حق فسخ خواهد داشت». ملاحظه می‌شود در این دو ماده با توجه به شرایطی فسخ قرارداد را برای مشتری یا بایع قانونی دانسته است. آنگاه در ماده بعد به‌صراحت می‌گوید مشتری علاوه بر حق فسخ معامله، حق مطالبه خسارت‌های ناشی از مخارج معامله و مصارف متعارف را خواهد داشت. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر در مورد دو ماده قبل، معامله فسخ شود، بایع باید علاوه بر ثمن مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است، بدهد». همچنین با استفاده از دلالت التزامی می‌توان چنین جمعی را مستند به برخی مواد قانون مدنی پذیرفت. توضیح اینکه در علم منطق دلالت وضعی لفظ بر یک معنی به سه صورت دلالت مطابقی (دلالت لفظ بر تمام معنی، مثلاً تهران پایتخت ایران است)، دلالت تضمینی (دلالت لفظ بر قسمتی از معنی مثلاً فردا به تهران بر می‌گردم) و دلالت التزامی (دلالت لفظ بر مفهومی که ملازم آن است، مثلاً تهران آلوده است که منظور آلودگی هوای تهران است). (حلی، ۱۳۷۷: ۱۰). با مراجعه به ماده ۲۲۱ مشخص می‌شود که این ماده دلالت التزامی بر امکان اجتماع جبران خسارت با فسخ قرارداد دارد. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به‌منزله تصریح باشد و یا بر حسب

قانون موجب ضمان باشد». عدم انجام تعهد به معنای آن است در مفهوم تطابقی و تضامنی به معنای فسخ قرارداد نیست و ملازم با فسخ قرارداد است. با توجه به تصریحی که در ماده فوق آمده است، منظور از خسارت، خسارت عدم انجام تعهد به عبارتی خسارت اصلی است نه خسارت‌های تبعی مانند خسارت‌های تأخیر در انجام تعهد، خسارت‌های دادخواهی و مانند آن؛ بنابراین، مفهوم التزامی این ماده این است که اگر متعهد به تعهد خود وفا نکرده باشد و در واقع قرارداد فسخ شده باشد، باید خسارت وارد شده بر متعهدله را جبران نماید. این همان چیزی است که در ماده فوق گفته شده است: «در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است». لازم به ذکر است وقتی سخن از دلالت التزامی یک متن بر یک مفهوم می‌شود به معنای انکار مفاهیم دیگر نیست. به‌عنوان مثال یکی از نتایج تخلف از عهد، فسخ قرارداد است؛ ولی نتایج دیگری را نیز می‌توان تصور نمود؛ مثلاً وقتی متعهد باید تعداد معینی از کالایی خاص را به متعهدله تحویل دهد؛ ولی وی میزانی کمتر از آن را تحویل داده باشد یا اینکه عهد نموده است، ولی متعهدله می‌تواند میزان تحویل گرفته شده را پذیرفته و قیمت را نسبت به همان میزان تقلیل دهد و یا اینکه نسبت به باقیمانده آن اقدام به الزام وی به انجام تعهد به‌صورت کامل نماید. ملاحظه می‌شود در اینجا فسخی صورت نگرفته است؛ ولی نقض عهد صورت گرفته است؛ ولی فرض کنید متعهد تعهد نموده است که کالایی را تحویل دهد؛ ولی به‌طور کلی از تحویل آن خودداری کرده باشد و امکان الزام وی به اجرای تعهد نیز وجود نداشته باشد؛ در این صورت متعهدله حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. آنگاه همان‌طور که ماده ۲۲۱ مقرر داشته است، اگر ضمن قرارداد تصریح به لزوم جبران خسارت شده باشد، یا عرفاً و یا قانوناً چنین چیزی استنباط شود، متعهدله علاوه بر حق فسخ قرارداد حق مطالبه خسارت را نیز دارد. برداشت فوق را از ماده ۲۳۰ قانون مدنی نیز می‌توان داشت. این ماده مقرر می‌دارد: «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به‌عنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است، محکوم کند». نقض تعهد در این ماده دو واکنش کلی متعهدله را در پی خواهد داشت، فسخ قرارداد یا الزام به اجرای آن. اگر متعهدله فسخ قرارداد را بخواهد بدهی است به معنای نفی کلی خسارت نیست. بلکه ممکن است گفته شود که با توجه به اینکه قرارداد توسط متعهدله به‌عنوان واکنشی به نقض عهد از سوی متعهد، فسخ شده است، امکان استناد به

که از نقض عهد برای متعهدله حاصل می‌شود، معافیت از پرداخت عوض قراردادی است. بر این اساس فرمول محاسبه خسارت در حالت فسخ به شکل زیر است: {خسارت در حال فسخ قرارداد = ارزش مورد تعهد + (خسارت تبعی + خسارت فرعی) ناشی از نقض - (ارزش عوض قراردادی مورد تعهد + دیگر مزایای ناشی از نقض عهد)}

بحث و نتیجه‌گیری

مستند به اصل جبران کامل خسارت و قاعده لاضرر از یک سو که به قابلیت جمع جبران خسارت در کنار فسخ قرارداد مشروعیت داده‌اند و عدم مخالفت صریح شرع و قانون‌گذار از سوی دیگر، همچنین تشریح ماهیت فسخ به این صورت که فسخ به این معنا نیست که متعهدله از ارزش و موقعیتی که قرارداد برای او ایجاد کرده است، صرف‌نظر نموده است، بلکه صرفاً به این معنا است که چون متعهد به تعهد خود عمل نکرده است، متعهدله نیز واکنش نشان داده و التزام به تعهدات قراردادی را به پایان برده است و این اقدام مانعی در محاسبه و جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد محسوب نمی‌گردد. امکان مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد وجود دارد؛ بنابراین اعمال فسخ ضمانت اجرایی پیشگیرانه و به جهت جلوگیری از ایجاد خسارت بیشتر از طریق عدم انجام تعهدات از سوی فسخ‌کننده است و نمی‌توان اعمال فسخ را مانعی جهت مطالبه خسارات وارده قلمداد نمود.

در حقوق انگلیس نیز امکان جمع مزبور، مستند به این است که اگر نقض تعهدات قراردادی، مستند به قانون نباشد، باید زیان‌دیده در وضعیتی قرار گیرد که اگر نقض عهد صورت نمی‌گرفت، زیان‌دیده در آن وضعیت قرار داشت و با این فرض بحث مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد جز در موارد صریح منع شده مورد پذیرش قرار گرفته است. آنچه بسیار کاربردی و مهم است این است که اصل جبران کامل خسارت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مبانی نظری جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد است. منظور از این اصل این است که زیان وارد شده بر زیان‌دیده به‌گونه‌ای جبران شود که نه زیان‌زنده، متحمل ضرر بیش از اندازه گردد و نه زیان‌دیده بیش از زیان مزبور غرامتی دریافت نماید. به‌منظور رسیدن به چنین هدفی مناسب‌ترین راه این است که امکان جمع جبران خسارت با فسخ قرارداد که یک حق قانونی و مشروع است فراهم گردد. گویا اینکه از لحاظ مفهومی تحقق جبران کامل خسارت، امری ناممکن است؛ زیرا به هر حال فرد زیان‌دیده

میزان تعیین شده خسارت ضمن قرارداد نیست؛ ولی بر فرض پذیرش این سخن، تنها می‌توان خسارت مندرج در قرارداد و در نتیجه محدودیت قاضی در محکوم نمودن متعهد به بیشتر یا کمتر از آن را نفی نمود؛ ولی اصل مطالبه خسارت به حال خود باقی بوده و قاضی می‌تواند ضمن اینکه قرارداد مزبور فسخ شده است، نقض‌کننده عهد را به خسارت‌های ناشی از آن محکوم نماید. در ماده ۴۲۲ قانون مدنی نیز مطالبه آرش در کنار فسخ قرارداد مورد پذیرش قرار گرفته است و به‌نوعی می‌توان آرش را یکی از مصادیق جبران خسارت با توجه به تعاریفی که از آن صورت گرفته است، قلمداد نمود. همچنین در قانون پیش فروش ساختمان مصوب سال ۱۳۸۹ در مواد ۷ و ۸ صراحتاً به قابلیت مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد اشاره شده است به‌طوری که در ماده ۶ ضمن مشروعیت بخشیدن به مطالبه خسارت در انتهای ماده عنوان می‌گردد اجرا مقررات این ماده مانع اعمال خیار برای پیش‌خردار نیست و در ادامه نحوه مطالبه خسارت را نیز شرح داده است و در ماده ۸ این قانون به‌طور صریح اعلام می‌گردد در تمامی مواردی که به دلیل تخلف پیش‌فروشنده، پیش‌خردار حق فسخ خود را اعمال می‌نماید، پیش‌فروشنده باید خسارت وارده را بر مبنای مصالحه طرفین یا برآورد کارشناس به پیش‌خردار بپردازد؛ بنابراین با توجه به موارد ذکر شده در حقوق ایران اگر چه به‌طور صریح در قانون مدنی به قابلیت امکان محاسبه و مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد اشاره نشده است؛ اما در قوانین متفرقه با توجه به ضروریات حاکم، بر پذیرش این قابلیت پرداخته شده است و با توجه به برداشت‌های کلی صورت گرفته از قانون مدنی این قابلیت در قانون فوق نیز قابل استنباط است. برای مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد فرمولی می‌توان ارائه داد تا در صورت وجود شرایط از حیث عملی نیز با مشکلی مواجه نبود که عبارت است از: {خسارت = خسارت (اصلی + تبعی + فرعی) ناشی از نقض عهد - مزایای ناشی از نقض عهد}. وقتی قرارداد فسخ می‌شود متعهدله ارزش مورد تعهدی که به نفع او ایجاد شده را از دست می‌دهد در نتیجه در حالت فسخ قرارداد خسارت اصلی دقیقاً مساوی با ارزش مورد تعهد است. از طرف دیگر با فسخ قرارداد متعهدله از پرداخت عوض قراردادی نیز معاف می‌شود؛ یعنی ارزش عوض قراردادی به دارایی او بر می‌گردد؛ بنابراین، برای آنکه فرمول محاسبه خسارت در حال فسخ بیان شود باید این دو نکته در فرمول مبنایی محاسبه خسارت وارد شود؛ یعنی به‌جای متغیر خسارت اصلی ارزش مورد تعهد گذاشته شود و معلوم شود که از مهم‌ترین مزایایی

مجله کانون وکلای دادگستری مرکز. شماره سی و ششم. صص ۸۴-۷۸.

قسمتی تبریزی، علی (۱۳۹۴). «اصل جبران کامل خسارت». مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی. سال ۷. شماره سیزدهم. صص ۱۷۴-۱۳۵.

_____ (۱۳۸۳). «اصل جبران کامل زیان در مسئولیت مدنی». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها، اجرای عقد و عهد شکنی. چاپ سوم. تهران: انتشارات بهمن.

_____ (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها. چاپ پنجم. جلد ۴. تهران: شرکت سهامی انتشار.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۶). قواعد فقه، بخش مدنی، مالکیت، مسئولیت. جلد ۱. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

_____ (۱۴۰۴). قواعد فقهی. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. جلد ۱۰. تهران: انتشارات امیر کبیر.

Consumer Rights Act 2015, (CRA).
Routledge, (2013). "Contract Law 2012–2013", London and New York: Taylor & Francis Group, 8th edition
Sale of Goods Act 1979, (SGA).
Treitel, Guenter, (2003). "The Law of Contract", Eleventh edition, London: Sweet & Maxwell Limited
Treitel, Guenter, (1989). "Remedies For Breach of Contract. A Comparative Account", Clarendon Press, Oxford
The Supply of Goods and Services Act 1982.
UNCITRAL Digest of Case Law on the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, United Nations, New York 2012. Available at: <http://www.uncitral.org>
<https://swarb.co.uk/doyle-v-olby-ironmongers-ltd-ca-31-jan-1969/21>.
<http://www.e-lawresources.co.uk/cases/Hadley-v-Baxendale.php>, retrieved on: 20.02. 2019.

گاهی صدمات روحی و معنوی نیز می‌بیند که اساساً گاه جبران ناشدنی هستند؛ ولی از نظر اهداف عملی جبران کامل خسارت که همانا قرار دادن طرفین در شرایط عدم نقض قرارداد است، از طریق آن تا حدودی می‌توان از فرایند تلفیق ضمانت‌های اجرایی باهم، به‌ویژه جمع مطالبه خسارت با فسخ قرارداد بهره گرفت.

از حیث قانونی نیز همان‌گونه که اشاره شد در حقوق انگلیس در قوانین مختلفی به امکان مطالبه خسارت در کنار فسخ قرارداد از جمله قانون بیع کالا و قانون حقوق مصرف کننده اشاره شده است و می‌توان برای اعمال این قاعده از مبانی فوق بهره گرفت. در حقوق ایران نیز اگر چه ماده قانونی که به صراحت چنین امری را در قانون مدنی مقرر نموده باشد وجود ندارد؛ اما مواد مختلفی از قوانین از جمله مواد ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۲۲۱ و ۲۳۰ قانون مدنی حاوی مطالبی هستند که می‌توان این برداشت را از مواد فوق نمود و در برخی مواد قانونی خاص مثل مواد ۶ و ۸ قانون پیش فروش ساختمان صراحتاً به قابلیت این جمع اشاره شده است؛ بنابراین با شناسایی این امکان برای زیان دیده ضمن اینکه هیچ ممانعتی از حیث مخالفت با قوانین و مقررات برآین متصور نیست. برقراری عدالت قراردادی و تحمیل خسارات به شخصی که زیان را وارد نموده است و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی که موجبات نقض عمدی قراردادها را فراهم نموده است، از پذیرش این امکان محقق می‌گردد.

منابع

ابن منظور افریقی، ابوالفضل محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

پارساپور، محمد باقر؛ حسینی، سید میلاد؛ شاهی، احد (۱۳۹۴). «قابلیت جمع شیوه‌های جبران خسارت قراردادی در حقوق اسلام و ایران در مقایسه با اسناد بین‌المللی». *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*. سال دوم. شماره اول. صص ۲۸-۱.

حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۷). *الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید*. الطبعة الخامسة. قم: بیدار.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲). *لغت‌نامه دهخدا*. جلد ۲۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رنجبر، مسعودرضا (۱۳۹۱). *تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد*. چاپ دوم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

فتحی‌پور، علی (۱۳۳۲). «فسخ عقود و آثار مترتبه بر آن».